

بحثی کلی درباره جشن‌ها

دکتر جهانگیر اشیدری

به‌طور اعم جشن، شادی و عیش و کامرانی و مجلس نشاط و مهمانی را می‌رساند و به‌معنی عیدهم هست. چنان‌که اگر گویند جشن نوروز، مراد عید نوروز باشد (برهان). استاد پورداود واژه جشن را از یسن Yasna اوستائی می‌داند که از آنجا به‌یادگار مانده است و می‌گوید نیاکان ما در این اوقات به‌خصوص، به‌ستایش و نیایش پروردگار و مراسم دینی می‌پرداخته‌اند. یا به‌عبارت دیگر یزشنه (متبرک) می‌کردند. از این جهت روزهای متبرک را جشن خوانده‌اند و پارسیان در هند به تبعیت از طرز تلفظ هندوها با اندک تغییری (جشن = Jashen) گویند که پاره‌ای از زرتشتیان هم به‌اشتباه آن را تکرار می‌نمایند.

ریشه‌های لغوی - اوستائی Yasna - پهلوی Jashn یا Yashn، کلمه اوستائی یسنا و سانسکریت Yajna و پهلوی Yazashn به‌معنی ستایش و نیایش و پرستش است از مصدر Yaz اوستا، Yaj سانسکریت و Yad پارسی باستان، به‌معنی ستودن. یشت و یسنا و ایزد نیز از همین ریشه است.

جشن در بین همه اقوام و ملل و طوایف و تیره‌ها و عشیره‌ها چه متمدن و چه

گرفته‌اند، از کورش و داریوش. یعنی متن‌های ایلامی و بابلی از کورش و متن فارسی - باستان از داریوش.

هیئتس می‌گوید: اما من چنین عقیده‌ای ندارم. چرا باید کورش در کاخ بارعام و ساختمان دروازه به‌اعلان «من، کورش، شاه‌هخامنشی» دست بزند، اما در کاخ اختصاصی از این کار صرف‌نظر بکند؟ من مثل همیشه بر این عقیده‌ام، که تمام این نبشته‌ها از آن داریوش هستند. فرق میان نبشته‌های کاملاً محصور و نیمه‌محصور شاید تنها مربوط به زمان نقر آن‌ها باشد. احتمالاً داریوش ابتدا نبشته‌های کاخ بارعام و کاخ دروازه را تدارک دیده است و سپس نبشته کاملاً محصور کاخ اختصاصی را.

ادامه دارد

وحشی مرسوم است و هر گروه و ملتی به فراخور زمان و مکان و موقعیت، آداب و رسوم را برگزای می‌نماید چه ساده و چه مجلل و پرطمطراق.

قوم ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. اگر بخواهیم جشن‌ها را طبقه بندی کنیم، باید مراتب چندی را نام ببریم که مهم‌ترینش چنین است:

جشن ملی، جشن دینی، جشن تاریخی، جشن و سالگرد برخی رویدادها و بالاخره جشن‌های شخص مانند زادروز، عروسی، مقام و رتبه و نظایر آن. هر کدام از جشن‌ها یادآور امری است که در سرنوشت قوم یا ملت و یا اشخاص مؤثرند.

خوشبختانه وقتی که اوستا و تاریخ‌دین ایران باستان را بررسی و پژوهش می‌کنیم، متوجه می‌شویم که در گذشته و روزگاران دور و نزدیک جشن‌های بسیاری وجود داشته است که امروز به جز از چندتای آن مانند نوروز و مهرگان و سده و غیره از برخی‌ها یا بی‌اطلاع مانده‌ایم و یا خبری اندک در دست است. به علاوه در آئین مزدیسنا و ایران باستان، برخلاف جشن‌های فراوان، سوگ و ماتم و عزا و شیون و مویه و زاری کمتر به چشم می‌خورد و چنانچه گاهی هم مراسمی مانند سوگ سیاوش برگزار می‌گردیده برای یادآوری ستمی بوده که وسیله اقوام بیگانه و مهاجم بر ملت وارد شده و بدین وسیله می‌خواستند با آگاهی مردم به ستم و قوم ستمکار و ستمگران، در صدد مبارزه برآیند که تاریخ گواه است. به علاوه مردمی که به موجب سرودهای گات‌ها باید با خرد و اندیشه راه خود را برگزینند چرا به جای شادی و جشن که سازندگی، روشنایی، کار و کوشش، بالندگی و نمو، شهد و شیرینی به بار می‌آورد دنبال شیون و مویه بروند و خود را افسرده و تپاه سازند که کار عقل راستین نیست یا بهتر گفته شود اعمال سپنتا-مینوئی (خرد و اندیشه نیک) انسان را رو به تکامل و جلو می‌برد و اعمال انگره‌مینوئی (خرد و اندیشه بد) انسان را به تپاهی و واپس می‌برد.

آقای هاشم‌رضی در مقدمه کتاب جشن‌های ایران چه خوش گفته که بخشی از آن را رونویس می‌نماید. بشود که در سال نوین با پیروزی براهریمن بیگانه دشمن ویرانگر روزهای خوشی در پیش باشد:

«عمر جشن‌های ایران، برخی‌شان با عمر این ملت و مردم برابر است پاره‌ئی از جشن‌های ایران چون نوروز و مهرگان و گاهنبارها که ریشه طبیعی دارند، از یاد و تاریخ و رسوم و آداب و زندگی مردم ایران جدا نیست، سلسله‌ها، شاهان، زورمندان آمده و رفته‌اند شکست‌ها و پیروزی‌ها، روزگار شادی و قدرت و غم و اندوه و سوگ آمده و سپری شده است. میلیون‌ها مردم در سراسر تاریخ این مرز و بوم باشادی و خلوص و اعتقاد این جشن‌ها را برگزار کرده و رفته‌اند.

بسا مهاجمان به این مرز و بوم تاخته و خواسته‌اند زبان و ادب و دین و رسومشان

را براندازند، آن‌ها نیز ناکامیاب به دل و زیر خاك بی نام و نشان یا ملعون و منفور رفته‌اند.

از پس هزاران سال، هنوز مردم به روی این مرزوبوم به فارسی سخن می‌گویند و می‌نویسند. همان آداب و رسوم را دارند، همان جشن‌ها را برپا می‌کنند که از پس ما نیز چنین خواهد بود. همهٔ این معتقدات و آداب و رسوم، از جمله جشن‌ها، خصائل و ویژگی‌های ماست، هویت و ویژگی‌های فرهنگی ما، هیچگاه لوٹ و فراموش نخواهند شد. اگرچه بعضی اوقات به مقتضای رویدادهائی در تاریخ نکت و کاستی پیدا کرده و...

در این مختصر نظر بر این است که جشنی خاص یا جشن‌هایی را مورد بررسی قرار دهد چنانچه شماره‌های گذشته گواه است بهر مناسبتی جشن‌ها مورد گفتگو قرار گرفته است که فهرست وار برخی را برمی‌شمارد: جشن‌های برابری روز و ماه مانند فروردینگان، اردیبهشتگان و یا نوروز، مهرگان و سده، آبریزگان و غیره، اما آن‌چه را که ضمن بررسی در انگیزه و سبب برپائی برخی جشن‌ها بدان بطور عموم صحبت می‌نمایند، برخی نکات باریک و ظریف می‌باشند که کمتر بدانها توجه شده است و حال آن‌که شاید علت اصلی برگزاری همان نکتهٔ کوچک و کوتاه باشد مثلاً همین نوروز را که علل زیادی برای آن می‌گویند به گمان این نویسنده یکی از انگیزه‌های اساسی آن چنین است:

«خداوند آدم را در این روز خلق کرد. پس بنابراین، روز را نوروز گویند، در آفرینش خلقت و جهان نیز مشابه آن به چشم می‌خورد که فعلاً جای بحث آن در این جا نیست و آن‌چه که بعداً آمده پیر و این انگیزهٔ اساسی بوده است.

و یا دربارهٔ جشن سده علاوه بر پیدایش آتش - و گذشتن صد روز از زمستان بزرگ و یا پنجاه روز و پنجاه شب به عید نوروز و سایر مواردی که در این باره گفته‌اند. این یکی دو نکتهٔ ظریف هم جالب تعمق و تأمل است:

«۱- بعضی بر آنند که چون عدد فرزندان آدم به صد = صد رسید، جشن عظیمی برپا کرد، بدین نام موسوم شد و اندرین روز از فرزندان پدر نخستین صد تن تمام (کامل) شدند. (التفهیم ابوریحان).

۲- برخی گویند واضح این جشن کیومرث بوده و باعث بر این است که کیومرث را صد فرزند از اناث و ذکور بود، چون به حد رشد و تمیز رسیدند در شب این روز جشنی ساخت و همه را کدخدا (عروس و داماد) کرد و فرمود که آتش بسیار افروختند بدان سبب آن را سده می‌گویند. (توضیح: مشابهتی بین بند ۱ و ۲ دیده می‌شود چون بنا به سنت کیومرث هم اولین آدم خوانده شد.) و شاید زادروز تولدی که امروزه می‌گیرند. اصلش به آدم و کیومرث برسد.

۳- بعضی آن‌را به هوشنگ بن سیامک نسبت می‌دهند.

ز هوشنگ ماند آن سده یادگار

بسی باد چون او دگر شهریار

(فردوسی)

۴- برابر مندرجات نوروزنامه: همان روز که ضحاک را بگرفت و ملک بروی راست گشت جشن سده بنهاد و مردمان که از جور و ستم ضحاک برسته بودند، پسندیدند و از جهت فال نیک آن روز را جشن کردند... و چون آفتاب به فروردین خویش رسید آن روز را آفریدون به نو جشن کرد.

بر شاه فری یاد و همایون

جشن سده آئین جهاندار فریدون

(عنصری)

پس سده به ویژه مراسم آتش افروزی و امروزه چراغانی و آتشبازی مابۀ الاشتراك رسم بیشتر جشن هاست بدین ترتیب دیده می شود که:

الف - اطلاق واژه سده (صد عربی) شاید بعدها به مناسبت همان که در آغاز بدان اشاره شد بوده است و از یکصد فرزند کیومرث و آدم ناشی می شود.
ب - از این که یکی از انگیزه های آن پیروزی فریدون بر ضحاک بوده است آن هم قابل پذیرش است (این انگیزه درباره مهرگان نیز آمده است).

به قول کسانی چون گردیزی و بیرونی و... چون بیوراسب (ضحاک) به بند کشیده شد، در بلندی های کوه دماوند، یک صد تن از جان بازیافتگان مار دوش، جشن گرفتند و یک صد پشته هیمه افروختند و بدان سبب آن مراسم به جشن سده نامی گشت. که این هم برای هم لفظ سده و هم ارتباط با کار ضحاک و فریدون پذیرفتنی است.

به هر حال آن چه می تواند نتیجه بگیرد که اولاً چه سده و نوروز و مهرگان از جشن های ریشه دار است که به مناسبت ارتباط با زندگی و آفرینش اولین آدم نه تنها جنبه ملی و ایرانی دارد، بلکه باید جنبه جهانی بدان داد، زیرا آدم ابوالبشر جد همه فرزندان انسان است.

و به علاوه کاملاً به منطق جور می آید که به هنگامی که تاریخ آن بر ما روشن نیست قوم ایرانی بر بیگانه و دشمن پیروزی یافت و به یاد بزرگداشت و شادی، آتش افروزی (برابر چراغانی که امروزه معمول است و یا آتش بازی) می نمودند که به همین ترتیب به یادگار مانده است و اگر در حال حاضر جامعه زرتشتی (به ویژه در کرمان) آن را برها می دارند به مناسبت پاسداری بوده که نسل اندر نسل بدانها محول شده است و الا صد در صد جنبه ملی و میهنی دارد نه دینی.